

نگاهی به شیوه های استعمار در گذشته

اگر تاریخ را ورق بزنیم و گذشته را مورد کندوکاو قرار دهیم حتی از زمان خلقت آدم ابوالبشر در خواهیم یافت همیشه حقی و باطلی وجود داشته و تقابل این دو اتفاقات زیادی را در گذر زمان رقم زده، زمانی که قابیل به خاطر وسوسه های شیطان از مسیر حق دور شده و در مسیر باطل قرار می گیرد اولین تقابل میان حق و باطل در کشتن هابیل توسط قابیل رقم می خورد و این روند با به وجود آمدن تمدن های اولیه ی بشری به اشکال مختلف و به شیوه هایی دیگر متجلی می گردد. زمانی که اولین روستاها و بعد شهرها به وجود آمد و اولین حکومت ها شکل گرفته بودند حکومت هایی که به خاطر جاه طلبی، شهرت و کشورگشایی و گسترده کردن سیطره حکومت خود به سایر ملت ها و حکومت ها هجوم برده و ضمن ریختن خون های انسان های بیگناه بسیاری سیطره حکومت ظالمانه ی خود را گسترش دادند.

اما این روند با پیشرفت هایی که در سطوح مختلف اتفاق افتاد شکل و شمایل جدیدی به خود گرفت و نحوه ی تسلط یا بهتر بگوئیم استعمار دیگر ملت ها تغییر پیدا کرد به گونه ای که قبل از سال ۱۹۰۰ محوریت استعمار کشاورزی بود. یعنی کشورهایی که در زمینه ی کشاورزی پیشرفت هایی داشتند و می توانستند علاوه بر تأمین نیازها غذایی کشور خود مازاد بر احتیاج خود را به دیگر ملتها و کشورها بفروشند آن را زمینه ی مناسبی برای استعمار آنها یافته و از این طریق احتیاج سایر کشورها را مبنای برنامه های استعماری خود قرار داده و بدین وسیله در سایه این احتیاج در زمینه های مختلف شروع به ارائه و پیاده نمودن برنامه های استعماری خود می نمودند اما از سال ۱۹۰۰ به بعد که انقلاب صنعتی به وقوع پیوست و محدودیت توسعه از کشاورزی به صنعت منتقل گردید نیاز کشورها به احتیاجات

صنعتی کشورهای توسعه یافته زمینه را برای استعمار صنعتی فراهم نمود و این روند تا سالهای ۱۹۸۰ ادامه یافت اما بعد از آن با ظهور فناوریهای نوین اطلاعاتی و ارتباطی و پیشرفت های سریع تکنولوژیکی که زندگی انسان ها را تحت تأثیر عمیقی قرارداد به گونه ای که امروزه دانشمندان اعتقاد دارند که سه فناوری مهم در حال تحولی عظیم و گسترده در زندگی انسانهاست که شامل (فناوری نانو، فناوری زیست و فناوری اطلاعات و ارتباطات) می باشد که در این سال فناوری اطلاعات و ارتباطات را مادر سایر فناوری ها می دانند و این امر باعث گردید که شیوه های معماری کشورهای استعمارگر با پیشرفتهای تکنولوژیکی از یک پیچیدگی و تأثیرگذاری خاصی برخوردار گردد و این نوع شیوه معماری به مراتب دارای قدرت نفوذ و تأثیرگذاری بسیار بالا بوده چرا که به وسیله آن تماس سطوح مختلف جوامع را می توان تحت تأثیر قرار داد خصوصاً فرهنگ و اعتقادات مذهبی را که تا قبل از آن می توانست به عنوان یک عامل قوی و قدرتمند در مقابل شیوه های معماری کشورهای استعمارگر ایستادگی کند و نقشه های معماری را در خیلی از زمینه ها خنثی و نقش بر آب نماید.

قطعاً امروزه کشورهای معماری تمام توان و تلاش خود را معطوف به شیوه های نوین و فرانونین معماری نموده اند که برای روشن تر شدن مطلب به آماری در خصوص کشور آمریکا و توجه این کشور به بهره گیری از چنین شیوه هایی در رأس کشورهای معماری اشاره می نمایم.

آمریکا در بین سالهای ۱۹۰۰ تا ۱۹۲۰ حدود ۳۷٪ نیروی کار خود را در بخش کشاورزی متمرکز نموده بود که این آمار در بین سال های ۱۹۲۰ تا ۱۹۶۰ به ۲۶٪ رسید و تمرکز آن روی صنعت قرار گرفت اما جدیدترین آمار نشان می دهد که فقط ۷٪ نیروی کار آمریکا در بخش های فعالیتهای

نیروبر متمرکز گردیده است. منظور از فعالیتهای نیروبر فعالیتهایی هستند که نیازمند بهره گیری از توان جسمی افراد می باشد مثل بخش های کشاورزی و صنعتی و.... اما ما می بینیم امروزه کمترین نیروی کار آمریکا در بخش فعالیتهای نیروبر متمرکز گردیده و نکته جالب توجه این است که آمریکا تمامی فعالیتهای اقتصادی خود را که نیازمند بهره مندی از نیروی کار دارد به کشورهای آفریقایی و آسیایی منتقل نموده تا هم بتواند از نیروی کار ارزان قیمت آن کشورها استفاده نماید و هم بتواند زمینه های وابستگی آن کشورها را به خود حفظ نماید و بیشترین سرمایه گذاری خود را روی فعالیتهای دانش بر متمرکز نموده که بازده و راندمان فعالیتهای دانش بر در زمینه های اقتصادی بسیار بسیار بالاتر از فعالیتهای نیروبر یعنی کشاورزی و صنعت می باشد و اساس فعالیت های دانش بر نیز پیشرفت در تکنولوژی های نوین اطلاعاتی، ارتباطی، نانو و... می باشد. پس با این توضیح مشخص می گردد که کشورهای استعماری و در رأس آنها آمریکا حداکثر بهره را از تکنولوژی های نوین هم در جهت دستیابی به راندمان اقتصادی بالا و هم در جهت استعمار سایر ملتها آن هم به شیوه های جدید که تمامی جنبه های استعماری را می تواند شامل شود می برند چرا که آنها می توانند هم در زمینه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، اعتقادی، زیستی و... سایر ملت ها را با این شیوه ها استعمار و استثمار نمایند.

شیوه های استعماری فرانکو

شاید یکی از مباحث مهم اجتماعی در جامعه ی امروز مباحث تهاجم فرهنگی است و مسئولین فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کشور ما و در رأس همه ی آنها رهبر کبیر و فرزانه انقلاب با دید عالمانه و همه جانبه خود در زمینه های مختلف زنگ خطر را به صدا درآورده و نسبت به هجوم و شیبخون

فرهنگی غرب علیه اسلام عزیز و انقلاب اسلامی هشدار داده اند و شاید به جرأت می توانم بگویم که یکی از مهمترین دغدغه های فکری رهبر معظم انقلاب همین مسئله تهاجم و شیخون فرهنگی است که نمود آن را در سخنان معظم له در دیدارها عمومی و مسئولین با ایشان می توان دید. البته مردم علاقمند به آرمانهای اسلامی و فرهنگ خود نیز، تجلی تهاجم فرهنگی را در گسترش فرهنگ ابتذال و تکثیر نوارها و عکسها و... جستجو می کنند و به مبارزه با آن نیز برخاسته اند. اما لازم است بدانیم که تهاجم فرهنگی و شیوه های استعمار فرانو فقط در تکثیر نوار و عکس و مجلات مبتذل و... خلاصه نمی شود بلکه شیوه های استعماری فراتر از آن چیزی است که شاید در ذهن عامه ی مردم وجود دارد که آن را ما تحت عنوان شیوه های استعمار فرانو معرفی می نمائیم.

هدف گذاری استعمار فرانو

برای اینکه بهتر بتوانیم با شیوه های استعمار فرانو آشنا شویم باید با اهداف استعماری این شیوه ها آشنا شویم تا بهتر بتوانیم هم شیوه ها را بشناسیم و هم راه های مقابله با آن را پیدا کنیم. شاید یک زمانی کشورهای استعماری و در رأس آنها آمریکا به دولت و مردم ما چنگ و دندان تیز کرده خود را نشان می دادند و قدرت نظامی خود را به رخ ما می کشیدند اما تجربه چنگ تحمیلی ۸ ساله به آنها نشان داد که ایران اسلامی و ملت مسلمان آن طعمه ی آسانی بر آنها نیست که بتوانند به راحتی آن را به چنگ آورده و از آن استفاده نمایند آنها در طول این هشت سال تجربیاتی زیادی به دست آوردند و هزینه های زیادی را متحمل گشتند و دریافتند که دیگر شیوه های کهنه استعماری آنها نمی تواند بر ایران اثرگذار باشد لذا به دنبال استفاده از شیوه ها و ابزارهای جدیدی برای نیل به اهداف پلید خود بودند و قطعاً هم امروزه به دنبال استفاده از آن بر علیه کشور عزیز ما می باشند اما همانطور که آنها به

دنبال بهره گیری از شیوه های نو بر اساس تجربیات گذشته شان می باشند دولت و ملت ما هم در طول عمر با برکت و عزت انقلاب خود تجربیات بسیار گرانبها که بدست آمدن آنها هم خیلی راحت و آسان نبوده و حاصل تلاش و مجاهدت مردان خدا و در رأس آنها رهبر کبیر انقلاب امام خمینی (ره) و هزاران شهیدی که در راه مبارزه با همان چیزهایی که کشورهای سلطه گر به دنبال آن بوده اند جان عزیز خود را فدا نموده و دشمنی را ناکام گذاشته اند و قطعاً کشورهای سلطه گر باید بدانند که با شیوه های نو و فرانو هم نخواهند توانست به اهداف شوم خود در ایران اسلامی دست یابند. اما این بدین معنی نیست که ما چون سربلند از جنگ بیرون آمدیم و ما نیازی به مقابله نداریم بلکه ما باید بیش از گذشته خود را توانمند نماییم چرا که شیوه های جدید بسیار مخرب تر و بیرحمانه تر و وحشیانه تر بوده اما شاید ظاهر آن چنین چیزی را نشان ندهد اما سخن به درازا کشید در این قسمت به اهداف اشاره ای دارم گفتم که دشمن برای تمامی برنامه های خود هدف گذاری کرد، هزینه کرده، افراد مختلف را به خدمت گرفته تا بتواند موفق شود.

اهداف استعماری در شیوه های فرانو

- تخریب و نفی هویت ملی و بومی فرهنگ خودی
- تضعیف باورها و اعتقادات مذهبی و گرایش های معنوی
- ایجاد گسستگی و شکاف بین گذشته و حال (زمان جنگ و حال)
- طرد الگوها و اسوه های خودی و تاریخی و جایگزین نمودن الگوها و اسوه های ناخودی
- تخریب میراث فرهنگی و ملی
- تطیع و تخریب و از میان برداشتن اشخاص موثر و اندیشه وران و صاحب نظران معتقد به نظام

- گسترش روحیه غرب گرایی و غربزدگی

- گسترش روحیه یأس و نومیدی

- تقویت و حمایت روشنفکران و منورالفکران وابسته

- ترویج فساد و فحشاء و منکرات در بین جوانان

- ایجاد جریان های انحرافی و تقویت گروه ها و احزاب و تشکّل های وابسته

- ایجاد تفرقه های قومی، قبیله‌گی، زبانی، مذهبی

- انتخاب و تقویت تئوریهای علمی، اندیشه وران همسو را اهداف خود

- ایجاد تفرقه و جدایی بین مردم و مسئولین با ابزارهای جدید و نو

- ناامن نمودن جو تبلیغاتی منطقه در جهت ضربه زدن به ایران

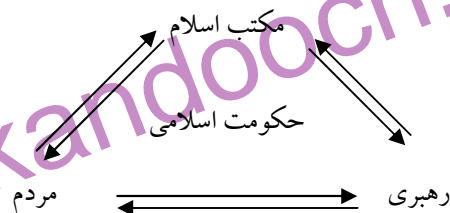
- همسو و هم جهت نمودن سران کشورهای همسایه ایران با اهداف استعماری خود

- ایجاد موانع در راه توسعه ایران در زمینه های مختلف، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، علمی، آموزشی

و...

- ایجاد فشار بر ایران از طریق نهادهای بین المللی در اختیار وزیر نفوذ ***

- تضعیف و قطع ارتباطات مردم با مکتب و رهبر به عنوان عامل قوام و اقتدار جمهوری اسلامی



و شاید دهها هدف آشکار و نهانی که بنده از آن اطلاعی ندارم ولی آن چه که اهمیت دارد این است که برای مقابله با دشمن باید ابتدا فکر و هدف دشمن را شناخت و دوم ابزارها و امکانات او را ارزیابی نمود و سوم قدرت مانور و اجراء برنامه هایش را مدنظر قرار داد.

ابزارها و امکانات مورد استفاده در شیوه های استعماری فرانو

قطعاً دشمن برای دستیابی به اهدافی که ذکر آن گذشت از ابزارهای مختلفی استفاده خواهد کرد که ذیلاً به آن اشاره می نمایم.

۱- مطبوعات و رسانه های گروهی (خارجی و داخلی)

۲- بنیادها و سازمان های به ظاهر اقتصادی که در پشت پرده فعالیت های اقتصادی اهداف استعماری

را برآورده نمایند چه خارجی و چه داخلی

۳- تکنولوژی و فرهنگ وابسته به آن

۴- هنر و ابزارهای هنری (سینما، تلویزیون، تئاتر و...)

۵- ابزارهای اطلاعاتی و ارتباط نو و جدید (رایانه، شبکه های اینترنتی، ماهواره و...)

۶- کتاب ها و ابزارهای ادبی و علمی (مانند رمان ها، قصه ها، کتاب های درسی و دانشگاهی)

۷- مراکز علمی، تحقیقاتی، دانشگاهی و....

۸- ورزشی و میادین ورزشی

- روشنفکران و غربگرایان خود باخته

- زنان و دختران و محرک های جنسی و عاطفی

- گسترش مواد مخدر خصوصاً مواد جدید با نام های مختلف و تأثیرات بسیار مخرب و قوی و...

- پس یک نکته مهم و قابل تأمل در بحث استعمار و شیوه های استعماری نهفته است که بیش از هر چیز دیگری باید مورد توجه همه ی مسئولین، دولتمردان و مردم مسلمان ما قرار گیرد این است که ما در هیچ مقطع از تاریخ عبرت آموز اسلامی نمی توانیم مقطعی را پیدا کنیم که جنگ بین حق و باطل وجود نداشته باشد و یا متوقف شده باشد چرا که دشمنان ما مسلمانان و اسلام به چیزی کمتر از نفی و از بین بردن اسلام راضی نشده و نخواهند شد که این امر را به وضوح در سطح دنیا شاهد بوده و هستیم و نمونه های بارز آن را زمانی در بوسنی و هرزگوین زمانی در افغانستان، زمانی در عراق و... و مدت طولانی در فلسطین، و بهتر بگوئیم در بیشتر کشورهای اسلامی شاهد و ناظریم که هدف گذاری استعمار در تمامی کشورهای اسلامی فقط و فقط نفی اسلام است که بنده مطمئن هستم که درخت اسلام آنقدر تنومند و محکم و استوار هست که هیچ قدرتی هر چند با بهره مندی از تمامی ابزارها و امکانات نخواهد توانست کوچکترین ضربه ای به آن وارد نماید و آینده از آن حق و حقیقت خواهد بود و آینده ای روشن برای مسلمین در انتظار خواهد بود. اما باید از کید و نقشه های دشمن نیز ساده نگذریم.

پس بنده اینگونه تفسیر می کنم آنچه امروز ما از آن به عنوان شیوه های استعماری نوین و فرانو یاد می کنیم استمرار همان حرکتهای و اقدامات گذشته است اما به شکلی جدید و روش های نوین. اگر در عصر حاضر سلطه و نفوذ بر سایر اقوام و کشورها و بدست آوردن مستعمرات و دستیابی به سرمایه ها و منابع آنها از طریق لشکرکشی های نظامی شیوه ای مقبول و اثرگذار نیست پس به جای آن با استفاده از تکنولوژی پیشرفته و امکانات خود از طریق تحمیل فرهنگی به بسط امپریالیسم فرهنگی پرداخته و درصدد تامین تضمین منافع اقتصادی خود از سایر کشورها هستند.

غرب با استفاده از ماسکهای فریبنده ی نوع دوستی، کمک به توسعه کشورهای عقب مانده، گسترش حقوق بشر و دموکراسی، انتقال تکنولوژی، ترویج سواد آموزی و بهداشت سعی در سلطه فرهنگی بر کشورها و سایر ملل را دارد.

اتوکلاین برگ در این زمینه می نویسد: «حتی در جریان پیاده کردن برنامه های بلندنظرانه و آزادمنشانه، چون کمک یا همکاری فنی، نیز نگرش استعماری و سایر اشکال استثمار متجلی است. مثلاً کشوری که کمک های فنی به دیگری ارائه می دهد این انتظار را دارد که کشور دریافت کننده کمک معیارها و الگوهای وی را برگزیند.»^۱

ژرژ سان می نویسد «کشورهای اروپایی برای این می کوشند که دیگران زبانشان را یاد بگیرند که بیشتر به آنها احترام بگذارند و بیشتر آنها را تحسین کنند نه برای اینکه هم صحبتی پیدا کرده باشند یا بخواهند به آنها اجازه صحبت و اظهار نظر بدهند»^۲

ژرژ بالاندیه درباره ی برنامه ریزی فرهنگی که در مستعمرات صورت می گیرد می گوید: «این حرکت سیاست را بایستی به عنوان تجاوز معرفی نمود زیرا این امر شیوه پیشرفتی را به یک جامعه تحمیل می کند که با سیر طبیعی آن جامعه متفاوت است.»^۳

چگونگی اجرای شیوه های استعمار و استعمار فرانو

قطعاً یکی از موارد مهم و شایسته التفات در بحث شیوه های استعمار خصوصاً استعمار فرانو آشنایی با شیوه های اجرای نقش های دشمن می باشد که در این قسمت لازم می دانم به یک مورد بسیار مهم و

تأثیرگذار اشاره نمایم.

^۱-زمینه فرهنگ شناسی، ص ۱۰۴ (به نقل از مقاله چندگرایی فرهنگی در جهان متغیر- مجله پیام یونسکو، شماره ۱۴۸)
^۲-همان کتاب، ص ۱۰۴
^۳-زمینه فرهنگ شناسی، ص ۱۰۵

در اوایل انقلاب و در اوج فعالیتهای سازمان تروریستی منافقین یک جوان حدود ۱۸ تا ۱۹ ساله را که پس از چندین ترور و شهید نمودن شخصیت های تأثیرگذار در انقلاب پس از دستگیری محکوم به اعدام می گردد از او سؤال می کنند که چه شد که سروکار تو به اینجا کشید؟ وی نقل می کند که:

«زمانی که در اوج جوانی بودم و دوست داشتم به نوعی هویت و استقلال خودم را نشان دهم در محیط خانه ارزشی برای حضور و بیان عقاید و نظراتم قائل نبودند و مرا هنوز به چشم یک بچه می نگرستند به گونه ای که در جمع فامیلی وقتی بزرگترها در خصوص مسائل مختلف صحبت می کردند من هم دوست داشتم در مباحث آنها شرکت کنم و اظهار نظر نمایم ولی هر موقع که شروع به صحبت می کردم با واکنش بزرگترها خصوصاً پدرم مواجه می شدم که می گفت تو را چه به این

غلط ها، تو هنوز هانت بوی شیر می دهد و مرا از جمع طرد می کرد. خوب این طرد از جمع و اجازه بیان عقاید و نظرات را به جوان ندادن ضربه بسیار بزرگی است بر روحیه جوان و خودش منشأ بسیاری از انحرافات می گردد. چرا که از دیدگاه روانشناسی این دوره ی سنی (بین ۱۵ تا ۲۰ سال) را دوران هویت، استقلال، فشار، طوفان و بعضی از روانشناسان حتی آن را دوران «خریت» می نامند چرا که در این دوره ی گرایش به فشار همسالان و گروه های دوست بسیار زیاد و تصمیم گیری های جوان

کمتر مبتنی بر مصالح و آینده نگری و عقل می باشد و احساسات نقش بسیار مهمی در تصمیمات در این دوره دارد. همین امر باعث گردیده که این جوان گرایش احساس استقلال و هویت خود را در محیطی خارج از خانه و در ارتباطات با دیگران و خصوصاً دوستان طلب نماید و دشمن هم که برای اجرای نقش های شوم خود برنامه دارد و از تمامی عوامل خصوصاً استفاده از نظرات و پیشرفتهای علمی خصوصاً روان شناسی بهره می برد بعد جوان می گوید وقتی این برخوردها با من در محیط

خانه صورت گرفت به مدرسه که رفتم در کنار من دانش آموزی قرار داشت که دو سال از من بزرگتر بود به دلیل مردود شدن در سالهای قبل وقتی دید من تو فکر هستم و ناراحت دلیل آنرا جویا شد و من اتفاقاتی که برایم در محیط خانه اتفاق افتاده بود برای او تعریف نمودم. بعد دیدم آلبومی را از توی کیفش درآورد و عکس های مختلفی از رجوی سر کرده ی منافقین را در حالت های مختلف یک یک جا روی تانک، یک جا آرپی جی روی دوش و یکجا در حال سان دید از پسران و دختران منافق و... و شروع به تعریف عنوان از سازمان و ارزشی که برای جوان قائلند و... به من پیشنهاد داد که با او به یکی از خانه های تیمی بروم و به سازمان ملحق شوم و من هم وقتی به سازمان رفتم با برخوردی بسیار عالی، مؤدبانه همراه با احترام به شخصیت من و تعریف و تمجید از تصمیمی که گرفته بودم احساس کردم خلاء ی را که در منزل در امر برخورد داشتم این جا می تواند پر کند. پس از چند روز رفت و آمد با سازمان و افراد مختلف مرا با وظایف سازمانی آشنا و توجیه نمودند و وظیفه ای که به من محول شد این بود که مسئول مراقبت از ورود و خروج افراد به داخل مکانی که در آن استقرار داشتیم باشم. بعد از گذشت دو سه ماهی به مسئول خانه تیمی مراجعه و گفتم من از فردا به سازمان نمی آیم چون آنچه را که در ذهن خود داشتم به آن نرسیده بودم بعداً فرد مسئول به من گفت پسر جان آیا تو می دانی که در این جا چه مسئولیت مهمی را به تو واگذار کرده ایم؟ حتی ما این مسئولیت را به افرادی که چندین سال عضو هستند نداده ایم. گفتم نه چه مسئولیتی؟ گفت شما مسئول مبارزه با امپریالیسم در جدار خارجی پایگاه داخلی هستید. قطعاً این گونه بهره گرفتن از واژه ها و دادن هندوانه به زیر بغل جوان همان شیوه های جذاب و مخاطب پسندی است که از یافته های علمی بهره گرفته شده. تازه پسر جان تو اگر در این مسئولیت موفق شوی ما تو را به مسئولیت های رده

بالای سازمان خواهیم رساند و روزی تو جای رجوی را خواهی گرفت. چون ارائه چنین سخنانی منطبق بر آمال و آرزوهای جوان در الگوپذیری از الگوهایی است که جوان در این دوران آن را می پسندد مورد توجه قرار گرفت و از آن پس من به دنبال آن بودم که وظیفه ام را به خوبی و با دقت انجام دهم تا به آن چیزی که در آرزوهایم به دنبالش بودم برسم «حال آنکه معنای آنچه که در قالب واژه های زیبا و دل پسند و ظاهر فریبانه به این جوان ارائه گردید چیزی جز همان دربانی ساده در فرهنگ ما نیست اما چون منطبق بر اصول و یافته های علمی روانشناسی می شود قابل توجه فرد قرار می گیرد» بعد از گذشت چند ماهی مسئول ما به من اعلام کرد که آن قولی که به شما دادم زمانش فرا رسیده و اگر در این مأموریت ها موفق شوی به آنچه که می خواهی، خواهی رسید بعد اسلحه ای به من دادند و گفتند فلان شخص را باید ترور کنی من دیگر سؤال نکردم که او کیست و چه گناهی دارد و چرا باید کشته شود بلکه فقط به دنبال این بودم که در مأموریتم موفق شوم و زمانی به خود آمدم که دیدم چندین انسان بی گناه به دست من به شهادت رسیده اند.

ذکر تجربه ی تلخی که گذشت شاید یکی از ده ها و یا صدها شیوه ای است که دشمن در جهت ضربه زدن به ما استفاده می نماید.

پس آنچه که اهمیت دارد شناخت شیوه های استعماری است تا بتوان راه مقابله صحیح با آن را شناخت.

قلمرو یا حیطة استعمار فرانو

قلمرو استعمار فرانو بسیار وسیع و گسترده می باشد که گستردگی قلمرو آن با شیوه های کهنه استعماری بسیار متفاوت است مثلاً تهاجم نظامی، تهاجم اقتصادی، و... هر کدام حیطة خاص و

محدودی را شامل شود اما تهاجم استعمار فرانو یک تهاجم همه جانبه می باشد که شاید نمود بارز و آشکار آن را بتوان در تهاجم فرهنگی مشاهده کرد اگر فرهنگ را مجموعه ای از بینش ها، باورها، گرایشها و رفتارهای مادی و معنوی افراد یک جامعه بدانیم قلمرو تهاجم فرهنگی به عنوان شاخصه ی مهم استعمار فرانو آن هم با بهره گیری از ابزارها و امکانات نو و مبتنی بر فناوریهای نوین تکنولوژیکی، حمله به تمامی این عوامل و نمودهای آن است در تهاجم فرهنگی هم به ریشه ها حمله می شود و هم به ساقه و برگ و میوه ها هم مورد دستبرد قرار می گیرد هرچند غارت میوه ها محسوس تر و مشهودتر است لیکن خشکاندن ریشه ها، خطرناک تر و مهلک تر می باشد.

تعیین گروه های هدف در استعمار فرانو و تمرکز بر روی آن

قطعاً استعمار به دنبال از دست دادن فرصت ها نیست و به دنبال استفاده از زمان می باشد تا حداقل هزینه هایی را که متحمل می شود به نتیجه برسد. لذا بر اساس شناخت و تعیین گروه های هدف بیشتر فعالیت خود را بر روی گروه های هدف متمرکز می نماید به نظر بنده و با توجه به مطالبی که ذکر آن گذشت بهترین گروه هدف برای استعمار فرانو گروه نوجوان و جوان در درجه اول اهمیت قرار دارد که چرا این دوره از حساسیت خاصی برخوردار است چرا که این دوره مصادف با ظهور و بروز یکسری ویژگی های خاص دوره ی خودش می باشد که استعمار فرانو با بهره گیری از فناوری های نوین فعالیت های خود را بر آن متمرکز می نماید. اگر نگاهی گذرا به جنبه های مختلف تهاجم فرهنگی به عنوان ابزار مؤثر در شیوه های استعمار فرانو داشته باشیم حقانیت این مطلب ثابت می شود استعمار فرانو بیشترین برنامه های خود را در تولیدات فناورانه خود با محوریت جوان متمرکز نموده به گونه ای که دیگر بناست اساس و پایه های اعتقادی و ارزشی و انقلابی جامعه را مورد هدف قرار

دهد از جوان شروع می کند و ما نموده های آن را در جامعه خود می توانیم ببینیم از تبلیغ نوارهای مبتذل ویدئویی، سی دی های مبتذل گرفته تا لباس های جورواجور منافی عفت عمومی و ایجاد شبکه های ماهواره ای با کانال های متعدد که شبانه روز در حال پخش برنامه های هدفمند می باشند و شاید دهها و شاید هم هزاران تولیدات مختلف مرتبط با جوان که شاید بنده اطلاع و آگاهی از آن نداشته باشم و جدیداً هم شیوع مواد مختلف روان گردان تحت عناوین مختلف از قرص های اکستازی و... گرفته یا مواد مخدر به معنای واقعی مخدر و تأثیر گذار از شیشه و کریستال و... گرفته تا برنامه های تبلیغاتی مختلف که همه و همه یک هدف مهم را در گروه هدف دنبال می نمایند و آن خشکاندن ریشه اعتقادات دینی و قدیمی در بین نسل جوان می باشد طرح این مسئله بدین معنا نیست که دیگر طبقات مردم از برنامه های استعمار فرانو در امان بوده و متضرر نخواهند شد نه بلکه شیوه های متناسب با سن و جایگاه آنان ارائه می گردد شاید شیوه های استعمار فرانو برای ضربه پذیر نمودن افراد با سن بالاتر و یا افرادی که در مقام و مسئولیتی در جامعه می باشند به اشکال دیگر که منطبق بر خصوصیات شخصیتی و روانی آنان می باشد بروز و ظهور پیدا می کند بهر حال آنچه که در این مقوله اهمیت دارد در درجه اول شناخت استعمار فرانو و شیوه های آن به منظور مقابله با آن می باشد که در ادامه شیوه های مقابله با استعمار فرانو را مطرح و ارائه می نمایم.

راه های مقابله با شیوه های استعمار فرانو

اگر توجه داشته باشید در طول مقابله به این مهم اشاره کردم که شیوه های استعماری شاید بخودی خود کارساز نیست بلکه باید زمینه ها و ابزارهای آن فراهم شود پس اجرای برنامه های استعماری در کشور ما نیز پیرو همین قاعده و قانون خواهد بود که اگر اسلام انقلابی و انقلاب اسلامی نتواند

نیازهای فکری، روحی روانی عاطفی، اجتماعی، فرهنگی و... افراد جامعه به ویژه نسل جوان و تحصیل کرده و تشنه ی حقیقت انسانیت را پاسخ داده و فراهم نماید خلاء حاصله همان چیزی خواهد بود که استعمار به دنبال آن است و نقطه هدف را پیدا کرده و ضربه خود را وارد خواهد کرد اما ذکر

این نکته نیز ضروری است که اسلام عزیز و مجموعه تعالیم روح بخش، با خطرات و عقل سلیم توان پاسخگویی به نیازهای جوامع مختلف در زمانها و مکانهای متفاوت را دارا می باشد.

(الاسلام یعلو و یعلی علیه) اگر نقصی باشد به دلیل عدم شناخت و اجرای دقیق این تعالیم برمی گردد

پس اولین مرحله و راه در مبارزه با شیوه های استعمار خصوصاً استعمار فرانو این است که

- صاحب نظران مبلغان، مروّجان شریعت، پاسداران مرزهای عقیده و ایمان به شناخت و معرفی دقیق

زمان و نیازهای روز جامعه، به ویژه نسل جوان، و تبیین و تشریح تعالیم الهی پردازند و ساحت مقدس

اسلام عزیز را از هرگونه التقاط، تحجّر، سطحی نگری پیرایش نمایند.

- تقویت ولایت و رهبری:

دوران گذشته در اسلام از صدر اسلام گرفته تاکنون به ما نشان داده است هر جا که جامعه ی اسلامی

اطاعت و پیروی از فرامین و رهنمودهای ائمه اطهار، امامان و ولایت فقیه را سرلوحه امور قراردادن

هیچ دشمنی یارای مقابله با اسلام عزیز را نداشته و تمامی نقشه های دشمنان اسلام در هر زمینه های

عقیم مانده است. اما هر جا که قصوری در اطاعت امر از ولایت وجود داشته شروعی بوده برای ضربه

زدن به اسلام و مسلمین. پس دومین عامل مهم در مقابله با استعمار فرانو، فراهم نمودن زمینه های

اعتقادی، فرهنگی، اجتماعی و... در شناخت هرچه بیشتر ولایت و جایگاه والدی او در جامعه است.

- تقویت دولت

یکی از شیوه های مؤثر استثمار فرانو تضعیف دولتها و فاصله انداختن بین دولت و ملت می باشد که لازم است دولت به عنوان یکی از مهمترین نهادهای اجتماعی که حراست از استقلال و امنیت ملی و تمامیت ارضی و پاسداری از بقاء و رشد و رفاه ملت را به عهده دارد قطعاً هرچه نهاد دولت قوی تر و توانمندتر باشد آسیب پذیری آن در برابر تهاجمات مختلف کمتر خواهد بود.

- تقویت هنر و ابزارهای هنری

قطعاً بهره گیری از هنر هم در بعد آموزشی و هم در بعد پرورشی از جایگاه ویژه ای به منظور مقابله با شیوه های ظریف و مبتنی بر هنر استعمار فرانو برخوردار می باشد چرا که هنر یعنی پرورش و اگر ما در جامعه به هنر بها ندهیم و آنرا فدا نمائیم به طور حتم پرورش را فدا کرده ایم و زمینه ضربه پذیر شدن جامعه ی جوان را در مقابل استعمار فراهم نموده ایم.

- نظارت دقیق بر مطبوعات و رسانه ها

امروز مطبوعات و رسانه ها نباید در خدمت اهداف استکباری قرار گیرند و لازم است نظارت دقیق هم بر ابزار آنان و هم بر محتوای آن داشته باشیم چون در دنیای اطلاعاتی و ارتباطی امروز یکی از ابزارهای قوی و مناسبی است که استعمار می تواند از طریق آن ضربه هایی را وارد نماید.

- گسترش مراکز علمی / تحقیقاتی

اگر توان و پتانسیل موجود در جوان جهت دهی مناسب گردد و از آن در جهت مناسب استفاده شود خصوصاً جوانان علاقمند به فعالیتهای علمی و پژوهشی می تواند زمینه علاقمندی سایر جوانان را

فراهم نموده و هم سدی باشد در مقابل استعمار

- ورزش و میادین ورزشی

امروزه ورزش جایگاه بسیار بسیار ویژه در بین مردم و خصوصاً نسل جوان دارد قطعاً کشورهای استعمارگر امروزه از ورزش بهره برداری های سیاسی و اجتماعی می نمایند چرا که ضریب نفوذ بسیار بالایی دارد پس لازم است که علاوه بر تقویت و گسترش ورزش و مکانهای ورزشی بتوانم زمینه ساز تقویت جسم و روح جوان را در میادین فراهم نموده و به آن جهت مناسب دهیم.

- گسترش و تقویت باورها و اعتقادات دینی. (با محدودیت آموزش و پرورش)

از آنجایی که بیشتر شخصیت افراد در دوران کودکی شکل می گیرد و مدرسه می تواند در این دوره و در امر آموزش معارف و ارزش های والای دینی نقش عمده ای را ایفا نماید پس می طلبد ما یک برنامه مدون و اصولی در امر تقویت مسائل دینی و اعتقادی با محوریت کتابهای درسی و مقطع ابتدایی با بهره گیری از ابزارهای جدید مثل هنر، ادبیات، و جذاب نمودن محتوای کتب دینی به گونه ای که مورد علاقه بچه ها باشد زمینه را برای پرورش نسلی توانمند و معتقد را فراهم نمائیم.

- تقویت فرهنگ بومی و محلی

امروزه یکی از اتفاقات ناخوشایندی که در جامعه ما خصوصاً جامعه روستایی ما بوقوع پیوسته دور شدن آنها از سنت ها و فرهنگ غنی بومی و محلی که ریشه در اعتقادات قوی مذهبی داشته می باشد که لازم است هرچه سریعتر فکری برای این مسئله اندیشیده شود تا خدای ناکرده یکسری تفکرات و ارزشها جایگزین آن نگردد.

- توجه به میراث فرهنگی و تاریخ پرافتخار گذشته اسلام

امروزه کمتر ما برنامه هایی را می بینیم و یا کمتر از ابزارهای هنری در جهت شناساندن تاریخ پر گذشته تاریخ اسلام بهره می بریم اگر در دوران انقلاب چند فیلم در مورد ائمه اطهار و امامان ما

ساخته می شود مثل سریال امام علی (ع) و یا سریال امام رضا (ع) تأثیر این سریالها را بر مخاطبین بسنجید و ببینید مردم چقدر علاقمند هستند. پس لازم است که آن را تقویت نمائیم و ما به تعداد ائمه و امامان و شخصیت های بزرگ اسلامی چه در گذشته و چه در حال فیلم داشته باشیم.

- نزدیک شدن مسئولین و مردم

- فاصله گرفتن مسئولین از دنیا و دنیاگرایی و غرق شدن در تجملات

- ایجاد و تقویت روحیه خدمت به مردم در مسئولین

- از یاد نبردن انسان های فرهیخته و تأثیرگذار در انقلاب و جنگ و آوردن آنها در میدان و استفاده

از آنها در امورات مختلف

- فرهنگ سازی در امر استفاده از رایانه و اینترنت

یکی از مهمترین اتفاقاتی که در کشور ما به وقوع پیوست و متأسفانه هیچ فکری برای ابعاد آن نشد

گسترش سریع استفاده از رایانه بدون توجه به ایجاد فرهنگ استفاده صحیح از آن در بین مردم بود

امروزه تحقیقات نشان می دهد که در کشور ما در دوره ی ابتدایی بچه های ما استفاده از رایانه صرفاً

جهت بازیهای مخرب رایانه ای است و در سنین بالاتر بیشتر چت کردن های غیراصولی و اخلاقی.

حال آنکه رایانه به عنوان یک ابزار قوی اطلاعاتی و ارتباطی می توان استفاده های خوبی از آن کرد

علت این است که ما فرهنگ سازی نکرده ایم.

- تقویت الگوهای توانمند و متعهد علمی، آموزشی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... و شناساندن آنها

به مردم

- و کلام آخر این که ما باید اهداف دشمن را بشناسیم و همان چیزهایی را که دشمن به عنوان نقطه هدف انتخاب کرده و از آن طریق قصد ضربه زدن را دارد تقویت نمائیم و در مقابل آنها سد محکم و قوی ایجاد نمائیم و قطعاً بسیج در تمامی مواردی که ذکر آن گذشت دارای توانمندی های بسیار زیادی می باشد و می تواند همان گونه که انقلاب ۱ در مقابل تهاجمات مختلف دشمن در دوران هشت سال دفاع مقدس حفظ و حراست نمود امروزه هم این توان را دارد که دشمن را در مقابل شیوه های استعماری و استعمارفرانو با هر قدرت و توانی که باشد عقیم نمود، و افتخار دیگری برای بسیج و ملت پرافتخار و بسیجی ایران به ارمغان آورد.

ان شاء الله

سید محمد حسینی - پائیز ۸۶